

مقایسه ویژگی‌های شخصیتی دانش‌آموزان ورزشکار و غیرورزشکار^۱ Comparison of personality characteristics between athlete and non-athlete students

A. Noferesty: MA. Jahad danshgahi, Tarbiat
Moallem University

E-mail: nofereest88@yahoo.com

H. Hamidpour: PhD in Clinical Psychology

Kh. Doroudgar: MA in General Psychology

اعظم نوفرستی: مربی پژوهشی جهاد دانشگاهی واحد تربیت معلم

حسن حمیدپور: دکترای روان‌شناسی بالینی

خدیدجه دروگر: کارشناس ارشد روان‌شناسی عمومی

چکیده

Abstract

Aim: The present study aimed to compare personality characteristics between athlete and non-athlete students. **Method:** The present study is a causal-comparative study. 165 athlete and 170 non-athlete students of Karaj high schools selected through Multi-stage sampling method completed The California Psychological Inventory (Gough, 1990). **Results:** The results of MANOVA analysis showed that athletes obtained higher scores in Socialization than non-athletes. No difference was observed between the two groups in other subscales. In addition, results revealed significant differences between males and females in Capacity for Status, Sociability, Social Presence, Empathy, Good Impression, Well-Being, Intellectualization, Intellectual Efficiency, Achievement via Conformity, Achievement via Independency and Femininity / Masculinity subscales. Men generally scored higher on these scales than females. **Conclusion:** It appears that there are no significant relationships between personality characteristics and sport.

Keywords: *personality characteristic, California Psychological Inventory, athlete and non athlete students.*

هدف: پژوهش حاضر به منظور تعیین و مقایسه ویژگی‌های شخصیتی دانش‌آموزان ورزشکار و غیرورزشکار انجام شد. **روش:** پژوهش حاضر یک پژوهش توصیفی از نوع علی - مقایسه‌ای است. بدین منظور، نمونه‌ای به حجم ۳۳۵ نفر (۱۶۵ نفر ورزشکار و ۱۷۰ نفر غیرورزشکار) از دانش‌آموزان شهرستان کرج براساس نمونه‌گیری خوشه‌ای چند مرحله‌ای انتخاب و سپس ویژگی‌های شخصیتی دانش‌آموزان به وسیله پرسشنامه روان‌شناختی کالیفرنیا (گاف، ۱۹۹۴) سنجیده شد. داده‌ها با استفاده از آزمون آماری تحلیل واریانس چند متغیری تحلیل شد. **یافته‌ها:** یافته‌ها نشان داد جز در مقیاس اجتماعی شدن، در بقیه مقیاس‌ها تفاوت معنادار بین دو گروه ورزشکار و غیرورزشکار نیست و نمره‌های دانش‌آموزان ورزشکار در مقیاس اجتماعی شدن بیشتر از دانش‌آموزان غیر ورزشکار بود. همچنین بین دختران و پسران در مقیاس‌های استعداد پایگاه، مردم‌آمیزی، حضور اجتماعی، همدلی، برداشت خوب، اشتراک، احساس سلامتی، مدارا، پیشرفت از طریق همنوایی و عدم وابستگی، کارآمدی ذهنی، مقیاس زنانگی - مردانگی، هواداری از هنجارها - تردید درباره هنجارها و خودشکوفایی تفاوت معنادار بود و نمره‌های پسران در این مقیاس‌ها، بیشتر از دختران بود. **نتیجه‌گیری:** به نظر می‌رسد، بین ویژگی‌های شخصیتی و ورزش در سطح ورزشکاران غیر حرفه‌ای رابطه‌ای وجود ندارد.

کلیدواژه‌ها: ویژگی‌های شخصیتی، پرسشنامه شخصیتی کالیفرنیا، دانش‌آموزان، ورزشکار، غیرورزشکار.

دریافت مقاله: ۱۳۸۸/۱۱/۱۲؛ دریافت نسخه نهایی: ۱۳۸۹/۳/۲۱؛ پذیرش مقاله: ۱۳۸۹/۶/۷

مقدمه

در خصوص اثرات مثبت ورزش و فعالیت‌های حرکتی، پژوهش‌های گوناگونی صورت گرفته است. پژوهش‌ها نشان داده است که ورزش باعث افزایش سلامت روانی، تقویت احساس ارزشمندی، کاهش اضطراب و افسردگی (گیاکوبی و هاوزن‌بلاس و فرای^۱، ۲۰۰۵) و افزایش قدرت ذهنی (لوی و لوی^۲، ۲۰۰۵) می‌شود. با این حال، برخی از افراد به رغم دانستن ویژگی‌های مثبت ورزش و توصیه‌های مکرر پزشکان و تبلیغات وسیع صدا و سیما، تمایل چندانی به ورزش نشان نمی‌دهند. بر این اساس، به نظر می‌رسد، صرف ترغیب نمی‌تواند افراد را به سوی ورزش سوق دهد و عوامل دیگری غیر از ترغیب در این امر دخیل‌اند.

امروزه، شخصیت مهم‌ترین متغیری است که برای تمایل به شرکت در فعالیت‌های ورزشی و تشریح عمل موفقیت‌ها و شکست‌ها در مسابقات ورزشی به آن توجه می‌شود (انشل^۳، ۱۳۸۰). آلپورت^۴ (۱۹۳۷) شخصیت را «ساختار پویایی در سیستم روان‌شناختی فرد» تعریف کرد که مشخص‌کننده رفتار و تفکرات خاص او است. فیست و فیست^۵ (۱۳۸۶) شخصیت را «الگوی نسبتاً پایدار صفات، گرایش‌ها یا ویژگی‌هایی که تا اندازه‌ای به رفتار افراد دوام می‌بخشد» می‌دانند. اینگلدو، مارکلند و شپرد^۶ (۲۰۰۴) معتقدند، به منظور بررسی ویژگی‌های شخصیتی ورزشکاران و غیرورزشکاران باید از رویکرد صفات استفاده کرد. فرض اساسی این الگو این است که صفات به عنوان ویژگی‌های نسبتاً پایدار افراد، می‌تواند رفتارهای آن‌ها را در موقعیت‌های گوناگون پیش‌بینی کند. با این حال، با وجود پیشرفت‌های چشمگیر در زمینه روان‌شناسی ورزش هنوز پرسش‌های متعددی در این باره وجود دارد. آیا ورزش و شرکت در فعالیت‌های ورزشی سبب تغییر ویژگی‌های شخصیتی دانش‌آموزان می‌شود؟ یا این که ویژگی‌های شخصیتی دانش‌آموزان، در تمایل آن‌ها به شرکت در فعالیت‌های ورزشی موثر است؟ و به طور کلی، آیا ویژگی‌های شخصیتی دانش‌آموزان ورزشکار با غیرورزشکار اختلافی دارد؟

در زمینه مقایسه ویژگی‌های شخصیتی ورزشکاران و غیرورزشکاران پژوهش‌های بسیاری انجام شده است که هرکدام نتایج متفاوتی را نشان می‌دهند. به عنوان مثال، کلارک و هاریسون (۱۹۸۴)، به نقل از عبدلی، (۱۳۸۴) می‌گویند: شخصیت در انتخاب و شرکت در فعالیت‌های ورزشی نقش دارد و ورزش نیز در سازگاری‌های اجتماعی و شخصی دخیل است. همچنین

-
1. Giacobbi, Hausenblas & Frye
 2. Levy & Levy
 3. Anshel
 4. Allport
 5. Feist & Feist
 6. Ingledew, Markland & Sheppard

مقایسه ویژگی‌های شخصیتی دانش‌آموزان ورزشکار و غیرورزشکار

آیزنک^۱ (۱۹۸۲) به نقل از فیست و فیست، (۱۳۸۶) معتقد است، تغییرات ناشی از ورزش بر شخصیت به تدریج و آهسته روی می‌دهد، زیرا ورزش اعمال دستگاه سمپاتیک، انتظارات و ارزش‌ها را تغییر می‌دهد.

همچنین، سیلوا^۲ (۱۹۸۴) در پژوهشی در مورد ۱۸۰ دانش‌آموز دبیرستانی (۹۰ نفر ورزشکار و ۹۰ نفر غیرورزشکار) به این نتیجه رسید که نمره‌های ورزشکاران به طور معناداری در مقیاس‌های سلطه‌گری، مردم‌آمیزی، حضور اجتماعی، همدلی، عدم وابستگی، مسئولیت، خویشنداری، احساس سلامتی، مدارا، پیشرفت از طریق ناهمنوایی، کارآمدی ذهنی و انعطاف‌پذیری بالاتر از دانش‌آموزان غیرورزشکار کسب است. عامل جنس نیز در این بین نقش داشت. به عنوان مثال، چه در گروه ورزشکار و چه در گروه غیرورزشکار، دختران در مقایسه با پسران مردم‌آمیزتر، همدل‌تر و انعطاف‌پذیرتر بودند که این مسئله ممکن است به دلیل ویژگی‌های شخصیتی زنان و نقش اجتماعی آن‌ها باشد.

رایلی و استارت^۳ (۱۹۹۵) در پژوهشی دریافتند که دانش‌آموزان ورزشکار بالاتر از غیرورزشکاران در مقیاس‌های سلطه‌گری، مردم‌آمیزی، خودپذیری، اجتماعی شدن و احساس سلامتی است. هوارد^۴ (۱۹۹۹) در پژوهشی که در مورد یک نمونه ۵۰۰ نفری از دانش‌آموزان انجام گرفت، نشان داد که نمره‌های دانش‌آموزان ورزشکار در مقیاس‌های انعطاف‌پذیری، پیشرفت از طریق عدم همنوایی، کارآمدی ذهنی، احساس سلامت، مدارا، برداشت خوب، خویشنداری، سلطه‌گری، همدلی، مسئولیت‌پذیری و استعداد پایگاه به مراتب بالاتر از دانش‌آموزان غیرورزشکار است.

جونز^۵ (۲۰۰۲) نیز در پژوهشی نشان داد که در مقیاس‌های اجتماعی شدن، مسئولیت‌پذیری، مدارا، مردم‌آمیزی بین دانش‌آموزان ورزشکار و غیرورزشکار تفاوت معنادار است. تفاوت در سایر مقیاس‌های پرسشنامه کالیفرنیا معنادار نبود. استفان^۶ (۲۰۰۲) نشان داد نمره‌های ورزشکاران در مقیاس‌های سلطه‌گری، استعداد پایگاه، خویشنداری، مدارا، احساس سلامتی، مسئولیت، همدلی و پیشرفت از طریق عدم همنوایی بالاتر از نمره‌های غیرورزشکاران است. در پژوهش او، ویژگی‌های شخصیتی دو جنس متفاوت نبود. درخشان مبارکه (۱۳۷۶) در پژوهشی رابطه ساعت‌های پرداختن به ورزش با سلامت روانی و ویژگی‌های شخصیتی مدیران

-
1. Eysenck
 2. Silva
 3. Riley & Start
 4. Howard
 5. Johns
 6. Stephans

میانی سپاه را بررسی کرد و نشان داد مدیران ورزشکار نسبت به مدیران غیرورزشکار از سطح بهداشت روانی بهتری برخوردارند و شکایات جسمی کمتری دارند. همچنین، وی نشان داد که ارتباط بین ویژگی‌های شخصیتی با ورزش، بیشتر در سطح ورزشکاران حرفه‌ای معنادار است.

افشارمند، شاهدی، محمدی و مهدوی (۱۳۸۶) نیمرخ روانی دانشجویان رشته‌های تربیت‌بدنی و غیر تربیت‌بدنی را بررسی کردند و نشان دادند بین دانشجویان ورزشکار و غیرورزشکار جز در مقیاس جامعه‌ستیزی، در بقیه خرده‌مقیاس‌های آزمون شخصیت چندوجهی مینه‌سوتا^۱ تفاوت معنادار نیست و دانشجویان رشته تربیت‌بدنی در مقایسه با دانشجویان رشته‌های غیر تربیت‌بدنی انحراف روانی- اجتماعی^۲، ناسازگاری اجتماعی و رفتارهای پرخاشگرانه کمتری دارند.

بشارت (۱۳۸۶) ۱۳۴ ورزشکار از رشته‌های ورزش گروهی و انفرادی را با استفاده از نسخه تجدیدنظر شده آزمون ۵ عاملی شخصیتی نئو^۳ و مقیاس جامعه‌گرایی- خودپیروی مقایسه کرد و نشان داد که نمره ورزشکاران ورزش‌های فردی در متغیرهای وظیفه‌شناسی و خودپیروی به صورت معناداری بیش از نمره ورزشکاران ورزش‌های گروهی است و نمره ورزشکاران ورزش‌های گروهی در متغیرهای همسازی و جامعه‌گرایی به صورت معناداری بیش از نمره ورزشکاران فردی است. لذا نتیجه گرفت ویژگی‌های شخصیتی ورزشکاران رشته‌های مختلف نیز با هم فرق دارد.

بر این اساس، در پژوهش حاضر سعی شده است که با تکیه بر شواهد علمی، اولاً ویژگی‌های شخصیتی دانش‌آموزان ورزشکار و غیر ورزشکار بررسی شود و ثانیاً ویژگی‌های شخصیتی بین دو گروه مورد مقایسه قرار گیرد. با مقایسه نیمرخ روانی دانش‌آموزان ورزشکار و غیرورزشکار می‌توان به تفاوت‌های احتمالی بین شخصیت این دو گروه پی برد. در صورت وجود اختلاف معنادار می‌توان با تعیین صفات مورد نظر و تأکید بر آن‌ها، با استفاده از روان‌شناسی ورزش به بهبود وضعیت تربیت‌بدنی و علوم ورزشی در دانش‌آموزان پرداخت.

روش

پژوهش حاضر یک پژوهش توصیفی از نوع علی - مقایسه‌ای است. جامعه آماری پژوهش ۱۲۰۰۰ دانش‌آموز دختر و پسر دبیرستانی شهرستان کرج در سال تحصیلی ۸۵-۸۴ بودند. نمونه مورد نظر، براساس حجم جامعه و جدول کرجسی و مورگان^۴ (۱۹۷۰) ۳۶۰ نفر بود که براساس روش

1. Minnesota Multiple Personality inventory (MMPI)
2. Psychopathy
3. NEO- Personality Inventory- Revised (NEO- PI-R)
4. Krejcie & Morgan

مقایسه ویژگی‌های شخصیتی دانش‌آموزان ورزشکار و غیرورزشکار

نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای از جامعه پژوهش انتخاب شد. روش نمونه‌گیری به این صورت بود که ابتدا شهر کرج به ۵ منطقه جغرافیایی تقسیم و از این مناطق، ۲ منطقه به عنوان خوشه‌های مرحله اول نمونه‌گیری به صورت کاملاً تصادفی انتخاب شد. در گام بعدی، با توجه به حجم جمعیت دانش‌آموزی در هر منطقه جغرافیایی، از بین مدارس متوسطه هر منطقه، تعدادی دبیرستان دخترانه و پسرانه و در هر مدرسه نیز چند کلاس به عنوان خوشه‌های مرحله دوم و سوم و در نهایت نمونه موردنظر از هر کلاس به صورت کاملاً تصادفی انتخاب شد. در این پژوهش، دانش‌آموزی در گروه ورزشکار قرار می‌گرفت که در یک رشته ورزشی خارج از چهار-چوب مدرسه (بدون در نظر گرفتن رشته ورزشی) ثبت نام کرده بود و حداقل دو روز در هفته به ورزش منظم در باشگاه می‌پرداخت.

ابزار پژوهش

۱. پرسشنامه روان‌شناختی کالیفرنیا ۱. این پرسشنامه، یک آزمون مداد-کاغذی است که از ۴۶۲ گزاره صحیح و غلط تشکیل شده و اولین بار توسط گاف در سال ۱۹۵۷ ساخته شد. پرسشنامه روان‌شناختی کالیفرنیا دارای ۲۰ مقیاس فردی و ۳ مقیاس ساختاری است.

مقیاس‌های فردی این پرسشنامه عبارتند از: سلطه‌گری، استعداد پایگاه، مردم‌آمیزی، حضور اجتماعی، خودپذیری، استقلال و عدم وابستگی، همدلی، مسئولیت، اجتماعی شدن، خویشنداری، برداشت خوب، اشتراک، احساس سلامتی، مدارا، پیشرفت از طریق همنوایی، پیشرفت از طریق عدم وابستگی، کارآمدی ذهنی، استعداد روان‌شناختی، انعطاف‌پذیری، زنانگی/مردانگی. برای نمره‌گذاری هر مقیاس در پرسشنامه روان‌شناختی کالیفرنیا پس از تکمیل هر پرسشنامه توسط آزمودنی، کلیدهای مربوط به هر مقیاس به صورت مجزا بر روی پاسخنامه تکمیل شده قرار گرفته و تعداد عبارات مشخص شده شمارش می‌شود، سپس موارد علامت-گذاری شده مربوط به هر مقیاس در پایان برگه پاسخنامه ثبت شده و سپس این نمرات خام به نمرات معیار شده در نیمرخ به‌هنجار تبدیل می‌شوند.

ماده‌های پرسشنامه روان‌شناختی کالیفرنیا، اطلاعات مربوط به الگوهای رفتار معمولی، احساسات و عقاید و نگرش‌های فرد را در رابطه با مسائل اجتماعی و خانوادگی می‌سنجد. پژوهش‌هایی که درباره اعتبار و روایی این پرسشنامه انجام شده، ضریب اعتبار کلی این آزمون را ۰/۷۰ گزارش کرده‌اند (گاف، ۱۹۹۰). ضرایب همسانی درونی نشان می‌دهد که بین ماده‌های

آزمون، تغییرپذیری قابل ملاحظه‌ای وجود دارد، اما روی هم رفته ساختار مقیاس‌ها مناسب‌اند (مارنات، ۱۳۸۴).

مرادی (۱۳۸۲) اعتبار و پایایی پرسشنامه روان‌شناختی کالیفرنیا را در جامعه دانشجویان ایرانی بررسی کرد. بر این اساس، میانگین ضرایب پایایی به کمک روش بازآزمایی پس از یک ماه ۰/۷۶ و با استفاده از روش آلفای کرونباخ ۰/۷۵ بود. ضریب اعتبار آزمون در این پژوهش ۰/۷۵ گزارش شد. همچنین ضریب پایایی این آزمون در نمونه پژوهش حاضر نیز با استفاده از روش آلفای کرونباخ ۰/۹۰ به دست آمد.

در این مطالعه، به منظور بررسی معناداری اثر گروه (ورزشکار بودن و ورزشکار نبودن) بر ویژگی‌های شخصیتی در مقیاسهای پرسشنامه روان‌شناختی کالیفرنیا در تعامل با متغیر جنس از یک طرح واریانس عاملی ۲*۲ استفاده شد.

یافته‌ها

ویژگی‌های جمعیت شناختی گروه نمونه با استفاده از آمار توصیفی به دست آمد. از ۳۶۰ عضو گروه نمونه، ۳۳۵ پرسش‌نامه جمع‌آوری شد که ۱۶۷ نفر دختر و ۱۶۸ نفر پسر بودند. پایه‌های اول و سوم دبیرستان ۸۷ درصد گروه نمونه را تشکیل دادند. همچنین، میانگین سن دختران ورزشکار ۱۵/۸۹ (۲/۸۷)، پسران ورزشکار ۱۷/۳۴ (۰/۹۷)، دختران غیرورزشکار ۱۴/۹۳ (۰/۸۰) و پسران غیرورزشکار ۱۷/۸۲ (۱/۸۰) بود. میانگین و انحراف استاندارد آزمودنی‌ها در مقیاس‌های پرسشنامه روان‌شناختی کالیفرنیا به تفکیک گروه و جنسیت در جدول ۱ آمده است.

نتایج تحلیل واریانس چند متغیری مقیاسهای پرسشنامه روان‌شناختی کالیفرنیا نشان دادند که اثر گروه (جدول ۲) بر مقیاس اجتماعی شدن معنادار و بر سایر مقیاسها غیر معنادار بود. به بیان دیگر، الگوی اثر گروه بر ویژگی‌های شخصیتی مختلف متمایز است. میانگین نمره زیر مقیاس اجتماعی شدن ورزشکاران (۷۰/۹۰) در مقایسه با غیر ورزشکاران (۶۸/۳۸) به طور معناداری بالاتر بود. اثر جنسیت (جدول ۳) بر مقیاسهای استعداد پایگاه، مردم آمیزی، حضور اجتماعی، همدلی، برداشت خوب، اشتراک، احساس سلامتی، مدارا، پیشرفت از طریق همنوایی، پیشرفت از طریق عدم وابستگی، کارآمدی ذهنی، زنانگی - مردانگی، هواداری از هنجارها و تردید درباره هنجارها و خود شکوفایی از نظر آماری معنادار بود و در سایر مقیاسها معنادار نبود. به عبارت دیگر، الگوی اثر جنسیت بر ویژگیهای شخصیتی مختلف نیز متمایز است. میانگین نمره این زیرمقیاسها در پسران بالاتر از دختران بود. در نهایت، اثر تعاملی گروه و جنسیت (جدول ۴) فقط در مقیاس اجتماعی شدن از نظر آماری معنادار بود ولی در سایر مقیاسها معنادار به دست نیامد. میانگین نمره زیر مقیاس اجتماعی شدن دختران و پسران ورزشکار (۷۰/۴۵)،

مقایسه ویژگی‌های شخصیتی دانش‌آموزان ورزشکار و غیرورزشکار

۷۳/۲۰) به طور معناداری از میانگین نمره دختران و پسران غیر ورزشکار (۶۹/۶۸،۶۷/۲۵) بالاتر است. لازم به ذکر است که مقادیر مجذور اتا به دست آمده برای گزارش معناداری عامل گروه بر مقیاس اجتماعی شدن و معناداری عامل جنس بر مقیاسهای استعداد پایگاه، مردم آمیزی، حضور اجتماعی، همدلی، برداشت خوب، اشتراک، احساس سلامتی، مدارا، پیشرفت از طریق همنوایی، پیشرفت از طریق عدم وابستگی، کارآمدی ذهنی، زنانگی - مردانگی، هواداری از هنجارها و تردید درباره هنجارها و خود شکوفایی و تعامل گروه و جنس بر مقیاس اجتماعی شدن از نظر آماری کم است و این به معنای آن است که دو عامل مذکور در تبیین واریانس نمرات ویژگیهای شخصیتی از نیرومندی لازم برخوردار نیست.



جدول ۱. میانگین و انحراف استاندارد نمره‌های زیرمقیاس‌های پرسشنامه CPI به تفکیک جنس و گروه

زیرمقیاس	ورزشکار		غیروزشکار	
	میانگین	انحراف معیار	میانگین	انحراف معیار
سلطه پذیری	دختران	۵۲/۶۸	۴/۰۸	۵۳/۲۳
	پسران	۵۳/۸۲	۳/۷۷	۵۵/۲۶
استعداد پایگاه	دختران	۳۸/۱۴	۳/۲۳	۳۸/۱۶
	پسران	۳۸/۸۵	۲/۷۸	۳۹/۴۷
مردم آمیزی	دختران	۴۵/۴۵	۳/۲۲	۴۴/۹۶
	پسران	۴۶/۶۴	۳/۱۳	۴۷/۴۴
حضور اجتماعی	دختران	۵۱/۶۸	۴/۳۸	۵۰/۷۶
	پسران	۵۴/۱۴	۵/۱۴	۶۴/۵۳
خودپذیری	دختران	۴۰/۹۷	۳/۵۱	۴۰/۰۳
	پسران	۴۰	۳/۱۱	۴۰/۶۱
استقلال	دختران	۳۴/۸۰	۳/۲۵	۳۴/۳۰
	پسران	۳۵/۳۲	۴/۴۶	۳۵/۷۳
همدلی	دختران	۵۴/۱۴	۴/۵۱	۵۳/۵۳
	پسران	۵۵/۱۱	۳/۶۳	۵۶/۰۲
مسئولیت	دختران	۵۲/۳۷	۴/۴۰	۵۲/۰۶
	پسران	۵۲/۸۵	۲/۵۵	۵۲/۶۴
اجتماعی شدن	دختران	۷۰/۴۵	۶/۰۹	۶۸/۲۵
	پسران	۷۳/۲۰	۵/۱۶	۶۹/۶۷
خویشتن داری	دختران	۵۲/۲۵	۵/۴۷	۵۳
	پسران	۵۴/۵۸	۵/۴۱	۵۴/۰۵
برداشت خوب	دختران	۵۵/۳۷	۴/۲۹	۵۴/۷۳
	پسران	۵۷/۱۴	۵/۰۷	۵۶/۹۷
اشتراک	دختران	۵۵/۱۷	۴/۹۳	۵۵/۰۶
	پسران	۵۵/۷۹	۳/۳۱	۵۷/۹۴
احساس سلامتی	دختران	۵۶/۶۲	۶/۲۶	۵۶/۲۶
	پسران	۵۹/۳۸	۶/۱۱	۶۱/۲۶
مدارا	دختران	۴۴/۷۱	۳/۶۳	۴۴/۵۰
	پسران	۴۶/۳۸	۲/۷۰	۴۶/۵۵
پیشرفت از طریق همنوایی	دختران	۵۴/۷۴	۳/۸۶	۵۳/۷۰
	پسران	۵۵/۵۰	۳/۱۳	۵۶/۰۲
پیشرفت از طریق عدم وابستگی	دختران	۴۸/۷۷	۳/۲۳	۴۸/۶۳
	پسران	۵۰/۷۶	۲/۶۹	۵۰/۲۹
کارآمدی ذهنی	دختران	۶۱/۳۱	۵/۴۳	۶۱/۳۶
	پسران	۶۳/۱۱	۶/۰۸	۶۴/۳۲
استعداد روان شناختی	دختران	۳۹/۷۴	۳/۱۰	۳۹/۸۳
	پسران	۴۰/۲۰	۲/۱۹	۴۰/۴۷
انعطاف پذیری	دختران	۳۸/۳۴	۳/۱۸	۳۷/۴۰
	پسران	۳۸/۹۷	۴/۷۸	۳۹/۸۲
زنانگی - مردانگی	دختران	۴۸/۳۷	۴/۱۶	۴۷/۲۶
	پسران	۴۸/۳۸	۳/۴۲	۴۹/۲۹
درون گرایی - برون گرایی	دختران	۳۰/۰۲	۲/۶۴	۲۹/۱۶
	پسران	۲۹/۸۵	۲/۳۸	۳۰/۷۶
هواداری و تردید درباره هنجارها	دختران	۴۱/۶۰	۲/۴۶	۴۲/۱۶
	پسران	۴۲/۷۰	۲/۶۸	۴۳/۲۰
خودشکوفایی	دختران	۷۱/۵۱	۴/۳۴	۷۰/۵۳
	پسران	۷۴/۱۷	۶/۸۷	۷۴/۴۱

جدول ۲. خلاصه تحلیل واریانس چند متغیری برای اثر گروه بر زیر مقیاس‌های CPI

متغیر	F (df)	P	η^2
سلطه پذیری	۲/۴۶۲ (۱)	۰/۱۱۹	۰/۰۱۹
استعداد پایگاه	۰/۴۵۳ (۱)	۰/۵۰۲	۰/۰۰۳
مردم آمیزی	۰/۰۸۷ (۱)	۰/۷۶۹	۰/۰۰۱
حضور اجتماعی	۰/۸۲۵ (۱)	۰/۳۶۵	۰/۰۰۶
خودپذیری	۰/۰۸۰ (۱)	۰/۷۷۷	۰/۰۰۱
استقلال	۰/۰۰۶ (۱)	۰/۹۳۹	۰/۰۰۰
همدلی	۰/۰۴۴ (۱)	۰/۸۳۴	۰/۰۰۰
مسئولیت	۰/۱۵۴ (۱)	۰/۶۹۵	۰/۰۰۱
اجتماعی شدن	۵/۶۳۵ (۱)	۰/۰۰۱*	۰/۰۰۸
خویشتن داری	۰/۰۱۳ (۱)	۰/۹۱۱	۰/۰۰۰
برداشت خوب	۰/۲۷۳ (۱)	۰/۶۰۳	۰/۰۰۲
اشتراک	۱/۹۵۸ (۱)	۰/۱۶۴	۰/۰۱۵
احساس سلامتی	۰/۴۶۲ (۱)	۰/۴۹۸	۰/۰۰۴
مدارا	۰/۰۰۱ (۱)	۰/۹۷۵	۰/۰۰۰
پیشرفت از طریق همنوایی	۰/۱۵۰ (۱)	۰/۶۹۹	۰/۰۰۱
پیشرفت از طریق عدم وابستگی	۰/۳۲۲ (۱)	۰/۵۷۱	۰/۰۰۲
کارآمدی ذهنی	۰/۴۷۸ (۱)	۰/۴۹۱	۰/۰۰۴
استعداد روان شناختی	۰/۱۳۵ (۱)	۰/۷۱۴	۰/۰۰۱
انعطاف پذیری	۰/۰۰۵ (۱)	۰/۹۴۳	۰/۰۰۰
زنانگی - مردانگی	۰/۰۱۹ (۱)	۰/۸۹۱	۰/۰۰۰
درون گرایی - برون گرایی	۰/۰۰۴ (۱)	۰/۹۵۳	۰/۰۰۰
هواداری و تردید درباره هنجارها	۱/۵۰۶ (۱)	۰/۲۲	۰/۰۱۲
خودشکوفایی	۰/۱۷۲ (۱)	۰/۶۷	۰/۰۰۱

توجه: لانداى ويلكز برای گروه: $p < ۰/۰۱$ $F(۲۳,۱۰۷) = ۱/۵۸$

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

جدول ۳. خلاصه تحلیل واریانس چند متغیری برای اثر جنس بر زیر مقیاس‌های CPI

متغیر	F (df)	P	η^2
سلطه پذیری	۶/۲۵ (۱)	۰/۰۲۴	۰/۰۰۶
استعداد پایگاه	۴/۴۶ (۱)	۰/۰۳۷*	۰/۰۳۳
مردم آمیزی	۱۲/۶۳ (۱)	۰/۰۰۱*	۰/۰۸۹
حضور اجتماعی	۱۱/۶۸ (۱)	۰/۰۰۱*	۰/۰۸۳
خودپذیری	۰/۱۱۷ (۱)	۰/۷۳۳	۰/۰۰۱
استقلال	۲/۹۱ (۱)	۰/۰۹۰	۰/۰۲۲
همدلی	۵/۸۱ (۱)	۰/۰۱۷*	۰/۰۴۳
مسئولیت	۰/۶۶ (۱)	۰/۴۱۵	۰/۰۰۵
اجتماعی شدن	۲/۶۹ (۱)	۰/۱۰۳	۰/۰۲۰
خویشتن داری	۳/۱۶ (۱)	۰/۰۷۷	۰/۰۲۴
برداشت خوب	۶/۶۱ (۱)	۰/۰۱۱*	۰/۰۴۹
اشتراک	۵/۷۴ (۱)	۰/۰۱۸*	۰/۰۴۳
احساس سلامت	۱۲ (۱)	۰/۰۰۱*	۰/۰۸۵
مدارا	۹/۳۹ (۱)	۰/۰۰۳*	۰/۰۶۸
پیشرفت از طریق همنوایی	۵/۴۱ (۱)	۰/۰۲۱*	۰/۰۴۰
پیشرفت از طریق عدم وابستگی	۱۱/۶۱ (۱)	۰/۰۰۱*	۰/۰۸۳
کارآمدی ذهنی	۶/۸۴ (۱)	۰/۰۱۰*	۰/۰۵۰
استعداد روان شناختی	۱/۲۹ (۱)	۰/۲۵۸	۰/۰۱۰
انعطاف پذیری	۵/۹۹ (۱)	۰/۱۱۶	۰/۰۱۴
زنانگی - مردانگی	۲/۰۸ (۱)	۰/۰۴۱	۰/۰۱۶
درون گرایی - برون گرایی	۲/۸۶ (۱)	۰/۰۹۳	۰/۰۲۲
هواداری و تردید درباره هنجارها	۶/۰۹ (۱)	۰/۰۱۵*	۰/۰۴۵
خودشکوفایی	۱۳/۲۰ (۱)	۰/۰۰۰*	۰/۰۹۳

توجه: لاندای ویلکز برای گروه: $p < ۰/۰۱$ $F(۲۳,۱۰۷) = ۲/۲۶$

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

جدول ۴. خلاصه تحلیل واریانس چند متغیری برای اثر تعاملی جنس و گروه بر زیر مقیاس‌های CPI

متغیر	F (df)	P	η^2
سلطه پذیری	۰/۴۹۷ (۱)	۰/۴۸۲	۰/۰۰۴
استعداد پایگاه	۰/۳۸۸ (۱)	۰/۵۳۴	۰/۰۰۳
مردم آمیزی	۱/۵۵۲ (۱)	۰/۲۱۵	۰/۰۱۲
حضور اجتماعی	۰/۰۷۲ (۱)	۰/۷۸۹	۰/۰۰۱
خودپذیری	۱/۸۹۳ (۱)	۰/۱۷۱	۰/۰۱۴
استقلال	۰/۶۳۱ (۱)	۰/۴۲۸	۰/۰۰۵
همدلی	۱/۱۱۸ (۱)	۰/۳۹۲	۰/۰۰۹
مسئولیت	۰/۰۰۶ (۱)	۰/۹۳۹	۰/۰۰۰
اجتماعی شدن	۵/۹۵۷ (۱)	۰/۰۱۰	۰/۰۴۴
خویشتر داری	۰/۴۴۶ (۱)	۰/۵۰۵	۰/۰۰۳
برداشت خوب	۰/۰۸۸ (۱)	۰/۷۶۸	۰/۰۰۱
اشتراک	۲/۳۸۰ (۱)	۰/۱۲۵	۰/۰۱۸
احساس سلامتی	۱/۰۰۷ (۱)	۰/۳۱۸	۰/۰۰۸
مدارا	۰/۱۰۳ (۱)	۰/۷۴۸	۰/۰۰۱
پیشرفت از طریق همنوایی	۱/۴۰۶ (۱)	۰/۳۳۸	۰/۰۱۱
پیشرفت از طریق عدم وابستگی	۰/۰۹۶ (۱)	۰/۷۵۷	۰/۰۰۱
کارآمدی ذهنی	۰/۴۰۲ (۱)	۰/۵۲۷	۰/۰۰۳
استعداد روان شناختی	۰/۰۳۲ (۱)	۰/۸۵۷	۰/۰۰۰
انعطاف پذیری	۲/۰۷۷ (۱)	۰/۱۵۲	۰/۰۱۶
زنانگی - مردانگی	۲/۰۴۱ (۱)	۰/۱۵۶	۰/۰۱۶
درون گرایی - برون گرایی	۴/۴۴۹ (۱)	۰/۰۳۷	۰/۰۳۳
هوداری و تردید درباره هنجارها	۰/۰۰۶ (۱)	۰/۹۳۹	۰/۰۰۰
خودشکوفایی	۰/۴۵۷ (۱)	۰/۵۰۰	۰/۰۰۴

توجه: لانداى ويلكز برای اثر تعاملی تعامل: $F(107,23) = 1/58$ $p < 0/01$

بحث و نتیجه‌گیری

نمره‌های دانش‌آموزان ورزشکار و غیرورزشکار فقط در خرده‌مقیاس اجتماعی شدن معنادار بود. این شاخص به میزان پذیرش و جانبداری از هنجارهای اجتماعی اشاره دارد و رواترین و قوی‌ترین مقیاس پرسشنامه روان‌شناختی کالیفرنیا به شمار می‌رود (مارنات، ۱۳۸۴). تفاوت صفت شخصیتی اجتماعی شدن در بین دو گروه دانش‌آموزان ورزشکار و غیرورزشکار را می‌توان این‌گونه تبیین کرد که فعالیت‌های بدنی و ورزشی به کاهش رفتارهای جامعه‌ستیزی و کاهش رفتارهایی که از سوی فرهنگ نادرست محسوب شده، منجر می‌شود. به عبارتی، سلامت جسمانی موجب رشد سلامت روانی و اجتماعی افراد می‌شود. همچنین، از آن‌جا که این مقیاس میزان جانبداری از هنجارهای اجتماعی را می‌سنجد، به نظر می‌رسد که ورزشکاران پایبندی بیشتری نسبت به هنجارهای جامعه از خود نشان می‌دهند. این نتایج با یافته‌های به دست آمده از پژوهش رایلی و استارت (۱۹۹۵) و جونز (۲۰۰۲) همخوان است. همچنین، این نتایج با یافته‌های

به دست آمده از پژوهش افشارمند و همکاران (۱۳۸۶) همخوان است که نشان داد نمره‌های دانشجویان رشته تربیت بدنی در مقیاس انحراف روانی- اجتماعی آزمون ام.ام.پی.آی کمتر از دانشجویان غیر تربیت بدنی است.

براساس یافته‌های پژوهش حاضر، تفاوت ویژگی‌های شخصیتی در دو گروه دانش‌آموزان ورزشکار و غیرورزشکار در سایر شاخص‌های پرسشنامه روان‌شناختی کالیفرنیا معنادار نبود. این نتایج با یافته‌های به دست آمده از پژوهش‌های رایلی و استارت (۱۹۹۵)، هوارد (۱۹۹۹)، استفان (۲۰۰۲) و جونز (۲۰۰۲) که نشان می‌دهند بین گروه ورزشکار و غیرورزشکار در سایر خرده-مقیاس‌های پرسشنامه روان‌شناختی کالیفرنیا تفاوت معنادار است، ناهمخوان است. همچنین، این نتایج با یافته‌های به دست آمده از پژوهش افشارمند و همکاران (۱۳۸۶) که تفاوتی بین دو گروه ورزشکار و غیرورزشکار به دست نیامد، همخوان است. عدم تفاوت ویژگی‌های شخصیتی در دانش‌آموزان ورزشکار و غیرورزشکار می‌تواند به این دلیل باشد که شاید در فرهنگ، ویژگی‌های شخصیتی در گرایش افراد به سمت ورزشکار شدن تأثیر چندانی نداشته باشد و عوامل دیگری همچون محیط اجتماعی، ارزش‌های جامعه، میزان دسترسی به فعالیت‌ها و امکانات ورزشی، سطح اقتصادی- اجتماعی خانواده و جزآن در این امر دخیل باشد. از سوی دیگر، افرادی که به عنوان ورزشکار در این پژوهش شرکت کرده بودند، دانش‌آموزانی بودند که در یک باشگاه ورزشی ثبت‌نام کرده بودند و به طور منظم هفته‌ای ۲ روز ورزش می‌کردند. در حالی که پژوهش‌ها نشان داده است ارتباط بین ویژگی‌های شخصیتی و ورزش بیشتر در سطح ورزشکاران حرفه‌ای معنادار است (درخشان مبارکه، ۱۳۷۶).

تفاوت نمره‌های دانش‌آموزان دختر و پسر این پژوهش در هر یک از شاخص‌های آزمون پرسشنامه روان‌شناختی کالیفرنیا در خرده‌مقیاس‌های استعداد پایگاه، مردم‌آمیزی، حضور اجتماعی، همدلی، برداشت خوب، اشتراک، احساس سلامتی، مدارا، پیشرفت از طریق هم‌نوابی و عدم وابستگی، کارآمدی ذهنی، مقیاس زنانگی- مردانگی، هواداری از هنجارها- تردید درباره هنجارها و خودشکوفایی معنادار بود و در سایر شاخص‌ها معنادار نبود و نمره‌های پسران در این مقیاس‌ها بالاتر از دختران بود. این نتایج با یافته‌های به دست آمده از پژوهش‌های استفان (۲۰۰۲) که نشان می‌دهد جنس باعث تفاوت معناداری در ویژگی‌های شخصیتی نمی‌شود و همچنین پژوهش سیلوا (۱۹۸۴) که نشان می‌دهد نمره‌های زنان در این مقیاس‌ها بالاتر از مردان است، ناهمخوان است. به نظر می‌رسد، دختران و پسران به دلیل تفاوت‌های جسمانی و روان- شناختی و همچنین تفاوت شیوه‌های فرزندپروری والدین برای دو جنس و انتظارات متفاوت جامعه از آن‌ها، ویژگی‌های متفاوتی را در خود می‌پروراند. به عنوان مثال، با توجه به این‌که خرده‌مقیاس استعداد پایگاه، صفاتی از جمله پشتکار، خودرهبی، جاه‌طلبی و اعتماد به نفس را

مقایسه ویژگی‌های شخصیتی دانش‌آموزان ورزشکار و غیرورزشکار

می‌سند، این یافته تا حدودی معقول به نظر می‌رسد که پسران در این مقیاس نمرات بالاتری را نسبت به دختران کسب کنند؛ زیرا شیوه‌های فرزندپروری متفاوت والدین در جامعه ما، این صفات را در پسران بیشتر از دختران تقویت می‌کند. از آنجا که خرده‌مقیاس مردم‌آمیزی میزان مشارکت افراد در فعالیت‌های اجتماعی را می‌سنجد، ممکن است بافت فرهنگی خاص کشور ما که مشارکت در فعالیت‌های اجتماعی را برای پسران بیشتر ترغیب می‌کند، در میزان مشارکت پسران در فعالیت‌های اجتماعی نقش داشته باشد. همچنین حضور اجتماعی بیشتر پسران را نیز می‌توان براساس بافت فرهنگی خاص کشورمان تبیین کرد که این بافت، تعامل‌های اجتماعی را در پسران بیشتر از دختران می‌پذیرد.

در نهایت، با توجه به یافته‌های پژوهش حاضر، تشویق نوجوانان به انجام فعالیت‌های ورزشی در سنین بلوغ می‌تواند به فرایند اجتماعی شدن که نقش مهمی در رشد هویت آن‌ها دارد کمک کند. بنابراین لازم است که خانواده‌ها و مسئولان نسبت به ورزش نوجوانان حساستر شده و برنامه‌ریزی‌های کوتاه مدت و دراز مدت بیشتری در این زمینه داشته باشند.

منابع

- افشارمند، زهره، شاهی، ولی‌الله، محمدی، اعظم، و مهدوی، افسانه. (۱۳۸۶). مقایسه نیمرخ روانی دانشجویان رشته‌های تربیت بدنی و غیر تربیت بدنی دانشگاه آزاد. پژوهش در علوم ورزشی، ۱۶: ۱۷۱-۱۵۶.
- انشلی، م. اچ. (۱۳۸۰). روان‌شناسی ورزش: از تئوری تا عمل. ترجمه سید علی اصغر مسدد. تهران: اطلاعات.
- بشارت، محمد علی. (۱۳۸۶). مقایسه ویژگی‌های ورزشکاران در ورزش‌های گروهی و انفرادی. پژوهش در علوم روان‌شناختی، شماره ۶ (۲۳): ۲۴۷-۲۳۳.
- درخشان مبارکه، محمد. (۱۳۷۶). بررسی رابطه میزان پرداختن به ورزش با سلامت روانی و ویژگی‌های شخصیتی مدیران میانی سپاه شاعل در رده‌های تهران. پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته روان‌شناسی. دانشگاه شهید بهشتی: دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی.
- مارنات، گری- گراث. (۱۳۸۴). راهنمای سنجش روانی برای روان‌شناسان بالینی، مشاوران، و روان‌پزشکان. ترجمه حسن پاشا شریفی و محمد رضا نیکخو. جلد دوم. تهران: رشد.
- صاحبی، علی. (۱۳۸۱). روش‌های تحقیق در روان‌شناسی بالینی. تهران: انتشارات سمت.
- عبدلی، بهروز. (۱۳۸۴). مبانی روانی - اجتماعی تربیت بدنی و ورزش. تهران: انتشارات بامداد.
- فیست، جس، فیست، گریگوری جی. (۱۳۸۶). نظریه‌های شخصیت. ترجمه مهرداد فیروزبخت. تهران: نشر روان.

مرادی، شهرام. (۱۳۸۲). هنجاریابی و بررسی ساختار عاملی پرسشنامه شخصیتی کالیفرنیا (CPI) در میان دانشجویان دانشگاه‌های تهران. پایان نامه کارشناسی ارشد روانشناسی بالینی. انستیتو روانپزشکی تهران.

- Alport, G. W. (1937). *Personality: A psychological interpretation*. New York: Henry Holt.
- Giacobbi, P. R., Hausenblas, H. A., & Frye, N. (2005). A naturalistic assessment of the relationship between personality, daily life events, leisure-time exercise, and mood. *Personality of sport and exercise*, 6(1): 67-81.
- Gough, H. G. (1990). The California Psychology Inventory. In C. E. Watkins & V. L. Campbell (Eds.), *Testing in counseling practice*. (pp.37-62). Hillsdale, NJ: Erlbaum.
- Howard, G. S. (1999). Sport psychology. *The sport psychologist*, 8: 262-270.
- Ingledeu, D. K., Markland D., Sheppard, K. E. (2004). Personality and self-determination of exercise behavior. *Personality and Individual Differences*, 36: 1921-1932.
- Johns, D. P. (2002). Positive cones quexce in Athlete. *The sport psychologist*, 19: 134-144.
- Levy, S. S., & Levy, V. (2005). The exercise and self- esteem model in adult woman, the inclusion of physical acceptance. *Personality of Sport and exercise*, 6(5): 571-584.
- Riley, E., & Start, K. B. (1995). The effect of physical practice on personality trait. *Australian Journal of psychical Education*, 20: 13-16.
- Silva, J. M. (1984). The status of sport psychology: A national survey. *Journal of Physical Education, Recreation and Dance*, 53(7): 46-59.
- Stephens, J. (2002). Physical activity, mental health and personality trait in the USA and Canada: Evidence from four population surveys. *Journal of sport behavior*, 20(4): 465-477.
- Krejcie, R.V. & Morgan, D.W. (1970). Determining sample size for research activities. *Educational & Psychological Measurement*, 30: 607-610.

پرتال جامع علوم انسانی